

The Performance of the Arab League Regarding the Situation in Syria: From Membership Suspension to Reinstatement*

Seyed Mostafa Mirmohammadi* 

Seyed Rouhollah Akhlaghi**

* Associate professor, International Law, Mofid University, Qom, Iran (corresponding author).

Email: mirmohammadi@mofidu.ac.ir;

** PhD student, Department of International Law, Mofid University, Qom, Iran.

Email: roly7m@gmail.com



Abstract

The significance of regional organizations in restoring regional peace and security is undeniable. The Arab League, as the first regional organization in the Middle East, exhibited diverse reactions to the situation in Syria following the events of the Arab Spring. The primary inquiry of this research focuses on how this organization utilized its capacities to prevent the escalation of the crisis and facilitate the restoration of regional peace and security concerning the situation in Syria. Using a descriptive-analytic approach, this article delves into the underlying causes of the prolonged crisis in Syria and subsequently analyzes the decisions and stances taken by the Arab League, such as the suspension of Syria's membership and the imposition of political and economic sanctions. These analyses are conducted through the lens of constitutional commitments as well as political and legal considerations. The findings indicate that the twelve-year suspension of Syria's membership, despite its status as a founding member of the Arab League, not only underscores the complexity and

* Mirmohammadi, S. M., & Akhlaghi, S. R. (2023). The Performance of the Arab League Regarding the Situation in Syria: From Membership Suspension to Reinstatement. *Political Science*, 26(103), pp. 167-194. <https://doi.org/10.22081/PSQ.2024.67891.2851>

* **Publisher:** Baqir al-Olum University, Qom Iran.

* **Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2023/02/09 • **Revised:** 2023/04/25 • **Accepted:** 2023/06/05 • **Published online:** 2023/09/24

© The Authors



multifaceted nature of the crisis at regional and international levels but also suggests that, in line with the fundamental objectives and principles of the organization, its approaches largely align with the interests of powerful Western governments and the expansionist policies of the occupying regime in Palestine, while running counter to the interests of the regional Arab and Islamic communities. Presently, the Arab League faces challenges such as double standard, decision-making influenced by its anti-Iranian members, issues related to immigration crises, and normalization of relations with Israel. From a regional perspective, the league's track record hardly reflects its role as an effective regional organization capable of resolving domestic crises within its member states or addressing international crises such as the Palestine-Israel conflict in line with the preservation of regional peace and security. Consequently, the Arab and Islamic region may continue to exist in a "region without regionalism."

Keywords

Syria, Arab League, international organizations, Middle East, international politics, Arab countries.



أداء الجامعة العربية في الوضع السوري من تعليق العضوية إلى العودة*

السيد مصطفى ميرحمّدي¹  السيد روح الله أخلاقي²

۱. أستاذ مشارك، القانون الدولي، جامعة المفيد، قم، إيران (الكاتب المسؤول).

mirmohammadi@mofidu.ac.ir;

۲. طالب دكتوراه، قسم القانون الدولي، جامعة المفيد، قم، إيران.

roly7m@gmail.com

الملخص

لا يمكن إنكار أهمية دور المنظمات الإقليمية في استعادة السلام والأمن الإقليميين. لقد تصرّفت الجامعة العربية، باعتبارها المنظمة الإقليمية الأولى، بشكل مختلف في الوضع السوري بعد التطورات المعروفة بالربيع العربي. الهدف الرئيسي للبحث الراهن هو الإجابة على سؤال كيف استخدمت هذه المنظمة قدراتها لمنع تفاقم الأزمة واستعادة السلام والأمن الإقليميين في الوضع السوري. وفي هذا السياق وبأسلوب وصفي تحليلي، مع التأمل في أسباب استمرار الأزمة في سوريا والتعريف بالجامعة العربية بعد ذلك، تم من منظور الالتزامات الدستورية وزواياها السياسية والحقوقية تحليل قرارات ومواقف هذه المنظمة تجاه سوريا، مثل تعليق عضوية هذا البلد و تطبيق العقوبات السياسية والاقتصادية عليه. تُظهر النتائج أنّ تعليق عضوية سوريا لمدة اثنا عشر عاما، باعتبارها إحدى الدول المؤسسة لهذه الجامعة، ضمن الكشف عن مدى تعقيد هذه الأزمة وتعدّد أوجهها على المستويين الإقليمي والدولي، تُظهر أنّ توجّه الجامعة العربية من حيث الأهداف والمبادئ الأساسية للمنظمة قد تم تقييمه على أنّه متماهٍ أكثر مع مصالح الدول

* ميرحمّدي، السيد مصطفى؛ أخلاقي، السيد روح الله. (۲۰۲۳م). أداء الجامعة العربية في الوضع السوري من تعليق العضوية إلى العودة. فصلية علمية محكمة علوم سياسي، ۲۶(۱۰۳)، صص ۱۶۷-۱۹۴.

الغربية العظمى والنزعة التوسعية للاحتلال الصهيوني ضد المصالح الإقليمية العربية والإسلامية. تواجه هذه المنظمة الآن تحديات مثل ازدواجية المعايير، واتخاذ القرار من قبل دول متنفذة ذات مواقف مناهضة لإيران، وأزمة المهاجرين، وتطبيع العلاقات مع إسرائيل. ومن وجهة نظر الإقليمية، فإن أداء هذه الجامعة لا يكاد يعطي إشارات على أنه يمكن أن يعوّل عليها كمنظمة إقليمية فاعلة في حلّ الأزمات الداخلية للدول الأعضاء أو الأزمات الدولية مثل الوضع الفلسطيني الإسرائيلي، وكذلك في الحفاظ على السلام والامن الإقليميين؛ ولذلك فإنّ المنطقة العربية والإسلامية لا تزال تعيش في "إقليم بلا إقليمية".

كلمات مفتاحية

سوريا، الجامعة العربية، المنظمات الدولية، الشرق الأوسط، السياسة الدولية، الدول العربية.



عملکرد اتحادیه عرب در وضعیت سوریه؛

از تعلیق عضویت تا بازگشت*

سید روح‌الله اخلاقی^۲

سید مصطفی میرمحمدی^۱

۱. دانشیار، حقوق بین‌الملل، دانشگاه مفید، قم، ایران (نویسنده مسئول). mirmohammadi@mofidu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری، گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه مفید، قم، ایران. roly7m@gmail.com



چکیده

اهمیت نقش سازمان‌های منطقه‌ای در بازگرداندن صلح و امنیت منطقه‌ای انکارناپذیر است. اتحادیه عرب به‌عنوان اولین سازمان منطقه‌ای در وضعیت سوریه پس از تحولات موسوم به بهار عربی متفاوت عمل کرده است. هدف اصلی پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش است که، این سازمان چگونه ظرفیت‌های خود را برای جلوگیری از تشدید بحران و بازگرداندن صلح و امنیت منطقه‌ای در وضعیت سوریه به کار بسته است؟ در این راستا و با روش توصیفی-تحلیلی، ضمن تأملی بر علل تداوم بحران در سوریه و سپس معرفی جامعه عرب، تصمیم‌ها و مواضع این سازمان در قبال سوریه همچون تعلیق عضویت این کشور و اعمال تحریم‌های سیاسی و اقتصادی از منظر تعهدات اساسنامه‌ای و زوایای سیاسی و حقوقی آن تحلیل شده است. نتایج نشان می‌دهد تعلیق عضویت دوازده‌ساله سوریه، به‌عنوان یکی از دولت‌های مؤسس این اتحادیه، ضمن آنکه نشان از پیچیدگی و چندوجهی بودن این بحران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی دارد، ولی از نظر اهداف و اصول اساسی سازمان، رویکردهای آن بیشتر همسو با منافع دولت‌های قدرتمند غربی، توسعه‌طلبی‌های رژیم اشغالگر فلسطین و بر خلاف منافع

* **استناد به این مقاله:** میرمحمدی، سیدمصطفی؛ اخلاقی، سیدروح‌الله. (۱۴۰۲). عملکرد اتحادیه عرب در وضعیت سوریه؛ از تعلیق عضویت تا بازگشت. علوم سیاسی، ۲۶(۱۰۳)، صص ۱۶۷-۱۹۴.

<https://doi.org/10.22081/PSQ.2024.67891.2851>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دانشگاه باقرالعلوم ع قم، ایران؛ © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۷/۰۲



منطقه‌ای عربی و اسلامی ارزیابی شده است. این سازمان اکنون با چالش‌هایی مانند رویکرد دوگانه، تصمیم‌گیری از سوی دولت‌های پرنفوذ با مواضع ضد ایرانی، بحران مهاجران و عادی‌سازی روابط با اسرائیل روبه‌روست. از منظر منطقه‌گرایی، کارنامه این اتحادیه به دشواری نشانه‌هایی به دست می‌دهد که بتوان به‌عنوان یک سازمان منطقه‌ای مؤثر در حل بحران داخلی دولت‌های عضو و یا بین‌المللی مانند وضعیت فلسطین- اسرائیل و نیز در جهت حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای بدان امیدوار بود؛ بنابراین منطقه عربی و اسلامی همچنان به زیست خود در «منطقه بدون منطقه‌گرایی» ادامه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها

سوریه، اتحادیه عرب، سازمان‌های بین‌المللی، خاورمیانه، سیاست بین‌الملل، کشورهای عربی.

مقدمه

هر مخاصمه مسلحانه نه تنها دولت یا دولت‌های درگیر، بلکه چه‌بسا دولت‌های منطقه یا حتی خارج از آن را تحت تأثیر قرار دهد. دولت‌ها و ملت‌های همجوار، به‌ویژه در صورت داشتن اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی از پیامدهای منازعه در امان نیستند و گاهی ناگزیر به مداخله می‌شوند و هزینه‌های سنگینی در این باره متحمل می‌شوند. بحران سوریه از معدود بحران‌هایی است که با دخالت دولت‌های متعددی از شرق و غرب جهان و نیز همسایگان آن همراه بوده است. تخریب زیرساخت‌های اساسی یک کشور و ایجاد بحران‌های مالی و اقتصادی، ناامنی، افزایش شمار پناهندگان و آوارگان از جمله پیامدهای عادی مخاصمه‌های مسلحانه داخلی یا بین‌المللی است که بی‌تردید مسئولیت دولت‌های عضو سازمان‌های منطقه‌ای را برای حل سریع بحران و بازگرداندن صلح و امنیت در منطقه می‌طلبد. بحران سوریه در بیش از یک دهه گذشته و درگیری‌های داخلی و شبه بین‌المللی شده آن، نمونه‌ای از مخاصمه منطقه‌ای است که سازمان‌های منطقه‌ای متعددی از جمله اتحادیه عرب، اتحادیه اروپا و سازمان همکاری اسلامی را در آزمون بازگرداندن صلح و ثبات به این کشور قرار داده است.

در این میان، بررسی و ارزیابی اقدامات و عملکرد اتحادیه عرب به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین سازمان‌های منطقه‌ای و همزاد ملل متحد بیش از دیگر سازمان‌ها مورد انتظار و بلکه بایسته است.

آثار بسیاری از منظر حقوقی و سیاسی در خصوص بحران سوریه وجود دارد؛ اما این موضوع از منظر ارزیابی عملکرد یک سازمان منطقه‌ای کمتر مورد مذاقه حقوقی و سیاسی قرار گرفته است؛ از این رو مقاله حاضر با تأکید بر اهداف و اصول اساسنامه، عملکرد نخستین و با تجربه‌ترین سازمان منطقه‌ای را در آزمون حفظ یا بازگرداندن صلح و امنیت و نیز حل و فصل اختلافات ناظر به بحران سوریه، تحلیل و ارزیابی خواهد کرد. مقاله با روش تحلیل کمی بیشتر بر تصمیم‌های این سازمان به‌عنوان داده‌های تحلیل حقوقی و سیاسی تأکید خواهد داشت و نتایج تجربی آن را نیز تحلیل و گزارش خواهد داد. بدین منظور، نخست بر علت‌های بروز و تداوم بحران

سوریه تأمل می‌شود و سپس نقش و جایگاه اتحادیه عرب به‌عنوان اولین سازمان منطقه‌ای بررسی می‌گردد.

۱. تاملی بر آغاز و تداوم بحران سوریه

با آغاز تحولات موسوم به بهار عربی از سال ۲۰۱۱م. به‌ویژه در تونس، مصر و لیبی، اوضاع داخلی سوریه نیز دستخوش این تحولات شد. نخستین تجمع‌ها در سوریه، همین سال در شهرهای الحسکه، دیرالزور، حماه و درعا شروع شد (کیانی، ۱۳۹۱، ص ۲۶). گزارش این تجمع‌ها در شبکه‌های گوناگون مجازی از جمله فیسبوک و توئیتر و گزارش‌های زنده از وضعیت سوریه، از سوی شبکه‌های تلویزیونی عربی مانند العربیه و الجزیره، بر ادامه تجمع‌ها نقش داشته است (نامداری و یزدان‌پناه، ۱۳۹۲، ص ۱۱۵). «سازمان دیده‌بان حقوق بشر» نیز در سال ۲۰۱۱م. با بحرانی توصیف کردن وضعیت حقوق بشر در سوریه و با ادعای کشتار گسترده غیرنظامیان در برخی شهرهای سوریه و پناهنده‌شدن افراد به اردوگاه‌هایی در مرز ترکیه، خواستار محکومیت دولت سوریه شد. عفو بین الملل نیز گزارش مشابهی تنظیم کرد. دولت سوریه با اعلام عفو عمومی، اصلاحات گسترده در قانون اساسی و مشارکت بیشتر مردم در صحنه سیاسی و اقتصادی سوریه کوشید مشارکت عمومی مردم را با خود همراه سازد. در چارچوب این اصلاحات با برگزاری انتخابات، بار دیگر بشار اسد به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. دولت‌های عرب مخالف اسد پس از این انتخابات با مسلح کردن گروه‌های معارض از جمله داعش و جبهه النصره این کشور را به جنگ داخلی کشاندند (تدینی و کازرونی، ۱۳۹۴).

با تشدید ناآرامی‌ها و تبدیل این وضعیت به مخاصمه مسلحانه داخلی، دولت‌های غربی از جمله آمریکا، انگلیس و فرانسه به همراه برخی کشورهای عربی، از جمله عربستان سعودی و قطر، از مخالفان حکومت سوریه پشتیبانی مالی، اطلاعاتی و تسلیحاتی به عمل آوردند (توکلی و همکاران، ۱۳۹۲). این دخالت‌ها بر دامنه بحران و درگیری‌های داخلی افزود و به نوبه خود موقعیت سوریه را به‌عنوان یکی از دولت‌های مخالف رژیم صهیونیستی و محور مقاومت تضعیف می‌کرد. به‌طور طبیعی از جمله

پیامدهای دیگر ادامه این وضعیت نقض بیشتر حقوق بشر افراد، تخریب زیرساخت‌های این کشور و مناطق مسکونی و نیز موج گسترده پناهندگان بود.

در گروه‌های تروریستی، اتباع خارجی زیادی عضویت داشتند که بیشتر از کشورهای عربی، اروپایی و چین بودند. از میان کشورهای اروپای غربی، اتباع کشورهای بلژیک، انگلستان، فرانسه و هلند بیشترین مشارکت را در گروه‌های تروریستی به‌ویژه جبهه النصره داشتند (Jenkins, 2013, p. 5). این گروه معارض دولت سوریه را ایمن الظواهری و ابومحمد الجولانی تأسیس کرده بودند (Benard & Rabasa, 2014, p. 132). دومین گروه تروریستی در سوریه، دولت اسلامی عراق و شام (داعش) بود که در پی حملات آمریکا در عراق به سال ۲۰۰۳ م. توسط یک تبعه اردنی به نام ابومصعب الزرقاوی تشکیل شد (Sackelmore, 2014, p. 28).

درباره علت‌های بروز بحران سوریه و استمرار آن دو دیدگاه مطرح است: دیدگاه نخست این است که، کشورهای درگیر بهار عربی، مشکلات یکسانی داشتند و ریشه بحران سوریه همانند مصر و لیبی، فقر، فساد گسترده، ناکارآمدی، بحران اقتصادی، شکاف طبقاتی، نبود چرخش مدیریتی در قدرت و مانند آن هستند (Dalacoura, 2012, p. 67). دیدگاه مقابل که از جمله در ایران طرفداران بیشتری دارد بر آن است که، شرایط داخلی سوریه اقتضای چنین بحرانی را نداشت؛ بلکه علت اصلی آن موقعیت ژئوپولیتیک سوریه به‌عنوان محور مقاومت است؛ زیرا پس از امضای توافق کمپ دیوید در ۱۹۷۹ م. محور سه‌جانبه دمشق، ریاض و قاهره به‌عنوان نظم عربی منطقه‌ای گذشته به پایان رسید و در وضعیت جدید، سوریه، ایران و حزب‌الله لبنان «محور مقاومت» را تشکیل داده‌اند (Sottimano, 2019, p. 161-164).

در بروز هر بحرانی عوامل متعدد اجتماعی و سیاسی دخیل‌اند؛ ولی سهم هر یک از آنها در آغاز و یا ادامه آن یکسان نیست؛ از همین رو سهم دخالت‌های خارجی را در ادامه این بحران نمی‌توان نادیده گرفت. عربستان، قطر، ترکیه و اسرائیل هر کدام به‌گونه‌ای از مخالفان دولت سوریه حمایت کردند. در مقابل ایران، لبنان، عراق و روسیه از دولت سوریه حمایت کردند. وضعیت کنونی غزه و حمله گسترده و قساوت‌بار رژیم

صهیونیستی به این منطقه، متعاقب عملیات ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ م. حماس، دیدگاه دوم را تقویت می‌کند که هدف بسیاری از این دخالت‌های نظامی در سوریه، همسویی با منافع دولت‌های غربی و رژیم اشغالگر فلسطین است. با مروری کوتاه بر علت‌های تداوم بحران سوریه، در ادامه به بررسی اقدامات و مواضع اتحادیه عرب در قبال بحران سوریه می‌پردازیم.

۲. اتحادیه عرب، تصمیم‌ها و کنش‌ها در بحران سوریه

پیش از بررسی تصمیم‌ها و ارزیابی عملکرد این سازمان مروری بر پیشینه تأسیس و آشنایی بیشتر با آن به عنوان نخستین سازمان بین‌الدولی منطقه‌ای خالی از فایده نخواهد بود.

۲-۱. اتحادیه عرب: تاریخچه و اهداف منطقه‌گرایی

اتحادیه عرب^۱ با نام عربی «جامعة الدول العربية» یا «جامعة العربیة» بر اساس قومیت عربی تأسیس شده است و اکنون مرکب از ۲۲ عضو است.^۲ اصطلاح «اتحادیه عرب» در میان نویسندگان فارسی‌زبان برای «جامعه دولت‌های عربی» به کار می‌رود. با اینکه واژه اتحاد، عربی است؛ اما در عنوان رسمی این سازمان کلمه اتحاد وجود ندارد و روشن نیست چگونه این اصطلاح وارد ادبیات سیاسی و حقوقی فارسی شده است. گرچه در عنوان مقاله حاضر از اصطلاح معروف «اتحادیه عرب» استفاده شده، در متن هر دو عنوان به کار رفته است.

جامعه عرب نخستین سازمان منطقه‌ای و همزاد سازمان ملل متحد است که به سال ۱۹۴۵ م. تشکیل شده است. نخستین نشست ناظر بر تأسیس این سازمان در اسکندریه مصر به سال ۱۹۴۴ م. به عنوان نشست مقدماتی تأسیس جامعه دولت‌های عربی با حضور نمایندگان از کشورهای سوریه، اردن، لبنان، عراق و مصر برگزار شد. در این نشست

1. League of Arab States.

۲. ر.ک: تارنمای سازمان:

<http://www.leagueofarabstates.net/ar/aboutlas/Pages/CountryData.aspx>

که «پروتکل اسکندریه» نیز نام دارد بر تهیه پیش نویس یک اتحادیه عربی، همکاری‌های اقتصادی، فرهنگی اجتماعی، عدم توسل به زور در حل و فصل اختلافات و میانجی‌گیری برای حل و فصل اختلافات تأکید شده است. میثاق این سازمان در سال ۱۹۴۵م. با حضور نمایندگان از رؤسای کشورهای تازه‌استقلال یافته (یعنی سوریه، اردن، عراق، سعودی، لبنان، یمن و مصر) در قاهره به تصویب رسید. مطابق ماده ۲ میثاق، هدف از تأسیس سازمان تحکیم ارتباطات مشترک، همکاری‌های چندجانبه، تضمین استقلال و حاکمیت دولت‌های عضو و بررسی امور سرزمین‌های عربی و مصالح آنهاست. اعضای این سازمان اکنون متشکل از ۲۲ کشور، به‌طور عمده عرب‌زبان، از دو قاره آسیا و آفریقا از جمله فلسطین است. مقر سازمان در قاهره، پایتخت مصر قرار دارد. اتحادیه اکنون نقش خود را در چهارمحور: استقلال کشورهای، حل و فصل اختلافات درونی دولت‌های عضو، تشویق به همکاری‌های عربی - عربی در چارچوب سازمان‌های تخصصی و نمایندگی کشورهای عربی در مجامع بین‌المللی اعلام داشته است.^۱

با آنکه خاورمیانه به «منطقه بدون منطقه‌گرایی» توصیف می‌شود، اما در واقع «جامعه عرب» نخستین سازمان منطقه‌ای در جهان شمرده می‌شود. در رویکردی انتقادی، این سازمان بیشتر به مثابه ابزاری در خدمت پادشاهان و رهبران ملی عرب همچون «جمال عبدالناصر» و حفظ مشروعیت سیاسی آنان و سیاست عدم مداخله عمل کرده است. نویسنده مقاله با عنوان طعنه‌آمیز «اتحادیه عرب نه پارس می‌کند و نه گاز می‌گیرد» بر آن است این سازمان اساساً برای آنکه در خدمت خواسته‌های رهبران خاورمیانه باشد، طراحی شده است؛ از همین رو در تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و نیز در جلوگیری از مخاصمه و یا مدیریت آن قاصر است. از میان ۵۶ بحران و منازعه منطقه‌ای که طی سال‌های ۱۹۴۵ تا ۲۰۰۸م. رخ داده، جامعه عرب در ۱۹ مورد آن ورود کرده که پنج مورد آن با موفقیت همراه بوده است. یک مورد آن

1. <http://www.leagueofarabstates.net/ar/aboutlas/Pages/CountryData.aspx>

حاصل موفقیت مستقیم این اتحادیه آن هم در بحران ریاست جمهوری لبنان در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۸ م. است. عمرو موسی، دبیر کل وقت اتحادیه پس از ناکامی این سازمان در حل بحران جنگ دوم خلیج فارس با این پرسش که «آیا اتحادیه عرب مرده است؟» ناتوانی این سازمان عربی را به‌عنوان نماینده و صدای جهان عرب ابراز داشته است (Hedström, 2020, pp. 44-45, 48-49).

توفیق نیافتن سیاست‌های اتحادیه، افزون بر عوامل هنجاری و نهادی، به گستره درگیری و منازعه مورد بحث، میزان نفوذ دولت‌های تأثیرگذار در سازمان، حجم دخالت دولت‌های قدرتمند منطقه و خارج منطقه و مطالبات اجتماعی از طریق نهادها و سازکارهای جهانی و منطقه‌ای حقوق بشری بستگی دارد.

از منظر حقوقی و اهداف اساسنامه‌ای، با توجه به ماده دوم و سوم اساسنامه مبنی بر تحکیم ارتباط میان کشورهای عضو و همکاری با سازمان‌های بین‌المللی برای حمایت از صلح و امنیت بین‌المللی، این پرسش اساسی وجود دارد که سازمان چگونه از طریق اقدامات و مواضع خود در برابر بحران سوریه، در راستای صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی گام برداشته است؟ از آنجا که یکی از اهداف اتحادیه حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی است، هرگونه اقدام آن در راستای مواد ۵۲ تا ۵۴ از فصل هشتم منشور ملل متحد موجه است. اما ارزیابی نهایی موفقیت این همکاری مستلزم بررسی مواضع، تصمیمات و اقدامات گوناگون این سازمان در زمان جنگ‌های داخلی در این کشور است.

۲-۲. تصمیمات و کنش‌های اتحادیه عرب در بحران سوریه

نخستین تصمیمات اتحادیه در قبال اوضاع داخلی سوریه، صدور قطعنامه‌های متعدد از سال ۲۰۱۱ م. به بعد است که بر اساس آنها مشارکت نمایندگان حکومت سوریه در نشست‌های ارکان مختلف سازمان به تعلیق در آمد و پس از آن، تحریم‌های سیاسی و اقتصادی در نظر گرفته شد. در فاصله نزدیک به ۱۲ سال از تعلیق، یعنی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۲۳ م. قطعنامه‌های دیگری از سوی ارکان‌های تابعه در وضعیت سوریه صادر شد که

ناظر به تعلیق عضویت یا اعمال تحریم است؛^۱ همچنین اتحادیه تلاش کرد تا همکاری ملل متحد و شورای امنیت را در این باره به دست آورد که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

۲-۱. تعلیق عضویت سوریه و تحریم‌های سیاسی اقتصادی

تعلیق مشارکت (عضویت) و تحریم‌ها علیه سوریه طی دو قطعنامه این سازمان به عمل آمد. در قطعنامه ۷۴۳۸ مصوب ۱۲ نوامبر ۲۰۱۱ م. شورای جامعه عرب، در نشست فوق‌العاده وزیران در قاهره به ریاست وزیر خارجه قطر با عنوان «پیگیری تحولات وضعیت در سوریه» در هشت بند، از جمله موارد زیر به تصویب رسید:

- تعلیق مشارکت نمایندگان دولت سوریه در نشست‌های این اتحادیه و همه سازمان‌ها و ارکان وابسته به آن از تاریخ ۱۶ نوامبر ۲۰۱۱ م. و تا زمان اجرای همه تعهدات این کشور در قبال طرح اتحادیه عرب برای حل بحران سوریه که در تاریخ ۲ نوامبر ۲۰۱۱ م. بر آن توافق شده است.

- فراهم آوردن حمایت از غیرنظامیان سوریه از طریق تماس فوری با سازمان‌های ذیربط در جهان عرب. در صورت متوقف‌نشدن خشونت‌ها، دبیرکل با سازمان‌های جهانی حقوق بشر از جمله ملل متحد تماس خواهد گرفت و برای توقف کشتارها با نمایندگان گروه‌های معارض دولت سوریه مشورت می‌کند و نتیجه را در نشست ۱۶ نوامبر ۲۰۱۱ م. به آگاهی وزیران خارجه عرب خواهد رساند.

مطابق بندهای دیگر این قطعنامه از ارتش سوریه خواسته شد از اعمال خشونت و کشتار غیرنظامیان خودداری کند و از دولت‌های عضو درخواست شد تا تحریم‌های اقتصادی و سیاسی علیه دولت سوریه اعمال کنند و سفیران خود را فراخوانند؛ همچنین از معارضان دولت سوریه دعوت شد تا در نشستی که از سوی اتحادیه برگزار می‌گردد،

۱. برای دریافت و مشاهده قطعنامه‌های اتحادیه عرب ر. ک: تارنمای سازمان:

شرکت کنند تا رویکردی واحد برای ورود به مرحله انتقالی آینده در سوریه اتخاذ کنند.^۱ در نهایت تعلیق عضویت سوریه با ۱۸ رأی موافق، دو مخالف (یمن و لبنان) و رأی ممتنع عراق تصویب شد (لعل علی زاده و احمدی، ۱۳۹۷، ص ۱۲). همزمان با تعلیق عضویت، قطعنامه ۷۴۴۲ شورای وزیران جامعه در ۲۷ نوامبر همین سال طی ۱۴ بند، تحریم‌های متعدد سیاسی و اقتصادی علیه سوریه در نظر گرفت که برخی از آنها عبارتند از: ممنوعیت سفر مسئولان عالی رتبه این کشور به دیگر دولت‌های عربی، بلوکه کردن حساب‌های آنان، توقف معامله با بانک مرکزی سوریه، توقف هرگونه معاملات تجاری و مالی با ارکان حکومت سوریه و برقراری محدودیت‌هایی برای پروازهای هوایی به مقصد سوریه یا بازگشت از آن.^۲ برای نظارت بر این موارد «هیأت مأموریت برای نظارت بر اوضاع سوریه» تشکیل شد (Hinnebusch & Zartman, 2016, p. 21).

افزون بر تعلیق عضویت و تحریم‌های فوق، برخی از اعضای شورای امنیت ملل متحد تحریم‌های بین‌المللی نیز پیشنهاد کردند که با مخالفت روسیه و چین همراه شد؛ اما دو دولت آمریکا و انگلیس و اتحادیه اروپا به تحریم‌های یک‌جانبه مالی حکومت سوریه مبادرت کردند. هرچند سوریه از سال ۱۹۷۹م. در فهرست تحریم آمریکا قرار داشت، از سال ۲۰۱۱م. تحریم این کشور به بهانه نقض حقوق بشر و ادعای کاربرد سلاح شیمیایی تشدید شد. به طور مشخص در سال ۲۰۱۹م. آمریکا «قانون سزار برای حمایت از غیرنظامیان سوریه» را جهت فشار به دولت سوریه و در جهت اصلاحات حقوق بشر تصویب کرد و به همین بهانه، فعالان اقتصادی کشورهای ثالث در سوریه از جمله حزب الله لبنان تحت تحریم قرار گرفتند. قانون سزار به طور بالقوه تعامل کشورهای عربی را با دولت سوریه دشوارتر می‌کرد. این قانون در سال ۲۰۲۴م. منقضی می‌شود و البته در مورد تمدید آن تردیدهایی وجود دارد. تحریم‌های اعمال‌شده از سوی انگلیس و اتحادیه اروپا نیز انتقادهایی به همراه داشته است؛ زیرا این تحریم‌ها

1. <http://www.leagueofarabstates.net/ar/councils/lascouncil/Pages/LasCouncilMinistrialDetails.aspx?RID=61>

2. <http://www.leagueofarabstates.net/ar/councils/lascouncil/Pages/LasCouncilMinistrialDetails.aspx?RID=58>

هدفمند نبوده و دسترسی کمک‌های بشردوستانه و نیز فعالیت سازمان‌های بشردوستانه را در این کشور با محدودیت‌هایی مواجه کرده است (Loft, 2023, pp. 32-34).

تعلیق عضویت و تحریم‌های جامعه عرب و نیز تحریم‌های دولت‌های غربی علیه سوریه بیشتر در جهت منافع سیاسی تعدادی از دولت‌های عربی و همسو با منافع دولت‌های غربی اعمال شده‌اند. حوادث میدانی و ادامه‌دارگیری‌های نظامی، تخریب زیرساخت‌ها و موج پناهندگان نشان داد این تصمیم‌ها مؤثر نبوده و بیشتر غیرنظامیان این کشور قربانیان چنین تحریم‌های غیرهوشمند بودند.

۲-۲-۲. همکاری‌های مشترک اتحادیه عرب و ملل متحد

از آنجاکه فعالیت‌های حفظ صلح و امنیت بین‌المللی سازمان‌های منطقه‌ای می‌باید به اطلاع شورای امنیت برسد، ملل متحد در جریان تلاش‌های اتحادیه عرب قرار داشت؛ ولی بین‌المللی‌شدن وضعیت سوریه، تلاش‌های ملل متحد را نیز می‌طلبد؛ از این رو با توافق دو سازمان نخست «کوفی عنان» دبیرکل اسبق ملل متحد و سپس «اخضر ابراهیمی» به‌عنوان نمایندگان مشترک در امور سوریه معرفی شدند. کوفی عنان در ۱۲ فوریه ۲۰۱۲م. به این سمت انتخاب شد و طرحی شش‌ماده‌ای ارائه کرد که در آن کناره‌گیری بشار اسد از قدرت منظور نشد؛ این در حالی بود که برکناری اسد از خواسته‌های اساسی اتحادیه عرب بود. در این طرح از بشار اسد خواسته شد اعزام نیرو به مناطق غیرنظامی را متوقف کند. از سلاح‌های سنگین در این مناطق استفاده نکند. از توسل به خشونت خودداری کند و اجازه دسترسی به کمک‌های بشردوستانه را نیز صادر نماید؛ همچنین به هیأت‌های نظارت اتحادیه عرب اجازه ورود داده، آزادی تردد خبرنگاران را بدون هیچ تبعیضی تضمین کند و به آزادی تجمع‌ها و اعتراضات مسالمت‌آمیز طبق قانون احترام بگذارد (Hinnebusch & Zartman, 2016, pp. 7, 21).

با آنکه طرح عنان موافقت حکومت سوریه و تأیید شورای امنیت را به همراه داشت؛ ولی با بالاگرفتن درگیری‌های نظامی در سوریه، وی در دوم اوت ۲۰۱۲م. استعفا داد. برخی دلیل موفق نبودن عنان را در این می‌دانند که وی در طرح خود کناره‌گیری بشار

اسد از قدرت را در نظر نگرفته بود (لعل علی‌زاده و احمدی، ۱۳۹۷، ص ۱۰)؛ اما خود وی افزایش تشکل‌های نظامی از سوی معارضان، نبودن وحدت نظر در شورای امنیت و همکاری نکردن سوریه پس از تشدید درگیری‌ها را از دلایل ناکامی طرح خود بر می‌شمارد. پس از عنان اخضر ابراهیمی به‌عنوان نماینده ویژه دو سازمان منصوب شد. وی نیز در مأموریت ۲۱ ماهه خود توفیقی نیافت. ابراهیمی برخلاف عنان، بر گفتگوهای میان معارضان و حکومت سوریه متمرکز نشد؛ بلکه برای حل این بحران توجه خود را بر ظرفیت‌های روسیه و ایالات متحده معطوف داشت. هر دو نماینده ویژه با مأموریت‌های محدود و متضاد مواجه بودند. حکومت سوریه در پی امتیاز بیشتر بود و معارضان بر پیش شرط ترک اسد از قدرت اصرار داشتند. اتخاذ موضع بی‌طرفانه برای این دو نماینده دشوار بود؛ زیرا اتحادیه عرب مواضع ضد اسد داشت؛ درحالی که ملل متحد بر آن اصراری نداشت. هر دو نماینده بر روابط میان روسیه و آمریکا متمرکز شدند؛ درحالی که توافق میان این دو سطحی و شکننده بود (Hinnebusch & Zartman, 2016, p. 1).

در ژانویه ۲۰۱۲م. اتحادیه عرب از پیشنهاد مراکش مبنی بر صدور قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت استقبال کرد. در قطعنامه پیشنهادی از بشار اسد خواسته شد طی مهلت پانزده‌روزه از قدرت کناره‌گیری کند. روسیه برای اینکه چنین قطعنامه‌ای که با پشتیبانی آمریکا، انگلیس، فرانسه، اتحادیه عرب و اروپا همراه است، بهانه‌ای برای مداخله نظامی دیگر، همچون مداخله در لیبی نگردد، با این قطعنامه مخالفت کرد؛ همچنین در نشست ۱۳ ژوئن ۲۰۱۹م. شورای امنیت در خصوص همکاری میان ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای در جهت صلح و امنیت بین‌المللی بر اهمیت توسعه مشارکت مؤثر میان ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای و نیز به ظرفیت‌های همکاری میان اتحادیه عرب و ملل متحد اشاره شده است.^۱ در این نشست که

۱. در خصوص همکاری‌های میان جامعه عرب و ملل متحد به اسناد صادرشده از ملل متحد در تارنمای زیر مراجعه شود:

<https://www.securitycouncilreport.org/monthly-forecast/2023-06/cooperation-between-the-un-and-the-league-of-arab-states-4.php>

به ابتکار کویت برگزار شد، احمد ابوالغیط دبیر کل اتحادیه عرب، ضمن اشاره به نهمین سال ورود به بحران سوریه و پیشینه طولانی همکاری بین این دو سازمان، درخواست کرد تا سطح همکاری‌ها در جهت صلح و امنیت بین‌المللی به‌عنوان اهداف مشترک این دو سازمان و مطابق با قواعد حقوق بین‌الملل افزایش یابد. وی ضمن ارائه پیشنهادهاى شش‌گانه، بر ایجاد دفتر ارتباطی ملل متحد در مقر اتحادیه، گسترش و اهمیت همکاری‌ها از طریق هشدار زودهنگام، میانجی‌گری، مساعی جمیله، دیپلماسی پیشگیرانه، تحکیم صلح پس از جنگ و بر صلح پایدار تأکید کرد. وی ضمن آنکه در این نشست مواضع ضد ایرانی خود را پنهان نمی‌دارد، ولی در هیچ‌کدام از این پیشنهادهاى شش‌گانه، راه‌حل مشخصی برای خروج از بحران سوریه ارائه نمی‌دهد. از سویی دیگر از کشورهای مصر، مراکش و اردن به‌عنوان پیشگامان عملیات حفظ صلح‌بانی و از عربستان و کویت و قطر به‌عنوان حامیان مالی کمک‌های بشردوستانه از جمله در سوریه یاد کرده است. نماینده لهستان در این نشست بر چالش‌های ناامیدکننده در این سازمان، از جمله بحران‌های بشردوستانه در سوریه، یمن و لیبی و تأثیرات منفی آن بر این کشورها و نیز مسائلی چون تروریسم، افراط‌گرایی، مهاجرت‌های غیرقانونی و ... اشاره کرد. وی همچنین در راه‌حل‌های بحران خاورمیانه و سوریه بر نقش دیگر سازمان‌های مهم منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا و آفریقا نیز تأکید کرد. نماینده آمریکا نیز با تشکر از همسویی‌های اتحادیه با سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا، از راه‌حل‌های اتحادیه عرب در خصوص سوریه و نپذیرفتن حکومت بشار اسد و نیز مواضع ضد ایرانی اتحادیه پشتیبانی کرد. نماینده چین نیز با اشاره به مبارزه با تروریسم و جلوگیری از افراط‌گرایی بر نقش گفتگو، تقویت همکاری‌های مشترک تأکید کرد و این سازمان را شریک مهمی در اجرای راهبرد جهانی ملل متحد در مقابله با تروریسم دانست. مطابق نظر نماینده روسیه اختلاف آفریقا باید در چارچوب آفریقایی و اختلاف اعراب نیز در همان چارچوب عربی حل شود؛ همچنین نماینده آلمان به حل و فصل اوضاع سوریه بر اساس قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت (۲۰۱۵م.) و بر مشارکت راهبردی اتحادیه اروپا و اتحادیه عرب و

ارتباط قوی تر میان سازمان ملل متحد و اتحادیه عرب تأکید داشت.^۱ گزارش کوتاه نشست فوق به روشنی بازتاب دیدگاه‌های متفاوت در برون‌رفت از بحران سوریه است و در آن دستاورد ملموس و روشنی در جهت منافع دولت‌های عربی و اسلامی منطقه مشهود نیست. مواضع ضد ایرانی برخی دولت‌ها و موضع چین بر تقویت همکاری‌ها در مبارزه با داعش تکرار بیانیه‌های متعدد است؛ زیرا در طول سال‌های منازعه و جنگ داخلی در سوریه بیانیه‌ها و قطعنامه‌های متعددی از سوی اتحادیه عرب و یا با پشتیبانی آن از سوی شورای امنیت ملل متحد، مجمع عمومی و شورای حقوق بشر صادر شده است. قطعنامه‌های شورای امنیت درباره سوریه بیشتر با عنوان «وضعیت در خاورمیانه» صادر شده است و بیشتر آنها مخالفت چین و روسیه را به همراه داشت.^۲ همان گونه که از اظهارات نمایندگان کشورها در نشست مشترک اتحادیه عرب و شورای امنیت ملل متحد پیداست، وضعیت سوریه تابعی از پیچیدگی وضعیت در خاورمیانه و عوامل پیدا و پنهان آن دارد. نشست مشترک نیز تنها به بیان مواضع پرداخته و گرهی از کار فرو بسته بحران سوریه نگشود.

بنابراین در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲م. سوریه با فشار مضاعف جامعه عرب و تلاش‌های متعدد آن برای مدیریت بحران و ایجاد صلح یا تغییر نظام در سوریه مواجه بود. اما این تلاش‌ها به توقف درگیری‌ها و شروع مذاکره‌های سیاسی منجر نشد. ناکامی هر دو نماینده مشترک افزون بر آنکه نشان از ناکامی منطقه‌گرایی عربی در جلوگیری از مخاصمه یا مدیریت آن دارد، این گمانه را نیز تقویت می‌کند که اتحادیه همچنان در تصمیم‌های خود در جهت تأمین منافع دخالت‌کنندگان شرقی و غربی یا در خدمت خواسته‌های رهبران پرنفوذ خود مردد است. چنین مواضع تردیدآمیزی به تضعیف منطقه‌گرایی عربی و اسلامی می‌انجامد و ادامه حضور قدرت‌های خارجی در منطقه را موجه می‌سازد و به تبع آن راه را برای فزون‌خواهی‌های اسرائیل هموار خواهد کرد.

1. Available at: <https://press.un.org/en/2019/sc13841.doc.htm>

۲. برای ملاحظه قطعنامه‌های صادر شده از ملل متحد درباره سوریه از زمان آغاز بحران ر.ک: <https://www.securitycouncilreport.org/un-documents/syria/>

وضعیت کنونی در غزه و ادامه اشغال نظامی آن و کشته شدن نزدیک به ۳۰ هزار نفر از غیرنظامیان از جمله زنان و کودکان با گذشت بیش از سه ماه از درگیری‌ها، شاهد روشنی بر ناتوانی نشست مشترک دو سازمان همکاری اسلامی و جامعه عرب در جلوگیری از ادامه فجایع خونین در این منطقه اسلامی و عربی است.

۳. تعهدات اساسنامه‌ای اتحادیه و رویکردهای دوگانه

به هنگام مذاکره در تهیه پیش‌نویس میثاق جامعه عرب، از جمله اختلاف‌ها میان مذاکره‌کنندگان، محدوده حاکمیت و اختلاف‌های سرزمینی بود. اردن و عراق برای حاکمیت بر سرزمین‌های سوریه و عربستان سعودی رقابت داشتند. سوریه نیز لبنان را بخشی از حاکمیت خود می‌دانست. از سویی مصر، عربستان سعودی و سوریه از جاه‌طلبی‌های اردن هراس داشتند (Raslan, 2016, p. 18)؛ بنابراین اتفاقی نیست که در میثاق بر اصول حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی تأکید شده است. مطابق ماده دوم میثاق، دولت‌های عضو از حاکمیت و استقلال یکدیگر صیانت کرده، بر اساس ماده هشتم متعهد خواهند بود هر نوع نظام حکومتی در دولت‌های عضو جامعه را محترم بدانند و از هر گونه تلاش برای تغییر آن بپرهیزند.

فارغ از اینکه چنین موادی اکنون تا چه میزان با تحولات اصل عدم مداخله در حقوق بین‌الملل و حق تعیین سرنوشت در حقوق بشر سازگاری دارد، از دیدگاه حقوق اساسنامه‌ای، اقدامات جامعه عرب علیه سوریه به‌ویژه تعلیق عضویت این کشور و اعمال تحریم‌های سیاسی و اقتصادی و نیز سیاست تغییر نظام حاکم در تضاد آشکار با برخی از مواد اساسنامه این سازمان شمرده می‌شود. به‌ویژه آنکه اتحادیه در عمل معیارهای دوگانه و متضاد را پس از تحولات موسوم به بهار عربی در پیش گرفته است. تحلیل حقوقی و سیاسی مشروعیت هر کدام از اقدامات سه‌گانه فوق، یعنی تعلیق عضویت، تحریم‌ها و رویکرد تغییر نظام، شایسته توجه بیشتر به مفاد اساسنامه و چگونگی آیین تصمیم‌گیری در این سازمان است.

سوریه از جمله بنیان‌گذاران جامعه عرب و از جمله شش کشور حاضر در مذاکرات

تدوین میثاق آن است. نخستین عبارت اساسنامه سازمان نیز خطاب به رئیس جمهور کشور سوریه آغاز می‌شود که بیانگر نقش این کشور در تأسیس اتحاد عربی است. جامعه عرب از آغاز بر محوریت تصمیم‌های سه کشور مصر به‌عنوان پرجمعیت‌ترین کشور عربی، سوریه به‌عنوان نظریه‌پرداز پان‌عریسم و سعودی به‌عنوان کشوری ثروتمند قرار داشت (Felsch, 2020, p. 4). با این حال، عضویت مصر در همین سازمان پس از پیمان کمپ دیوید به تعلیق درآمد و مقر اتحادیه به طور موقت از قاهره به تونس منتقل شد و پس از یک دهه بار دیگر مصر به سازمان برگشت و مقر آن دوباره به قاهره منتقل شد.

پس از خیزش‌های موسوم به بهار عربی، شعار آهنگین «الشعب يريد اسقاط النظام» در تعدادی از سرزمین‌های عربی طنین‌انداز شد. مصر و سوریه هر دو دستخوش این موج سهمگین شدند؛ اما سعودی چنان‌که خواهد آمد با کنارزدن اخوان المسلمین در مصر، بانفوذترین قدرت اتحادیه گردید و به تعبیر برخی «شاید مبالغه آمیز باشد اگر گفته شود این سازمان را به صورت عروسک خیمه‌شب‌بازی خود در آورده است» (Felsch, 2020, p. 11). مصر در پرتو خیزش عربی با سقوط حسنی مبارک در اختیار اخوان المسلمین قرار گرفت؛ اما در سال ۲۰۱۴ م. با حمایت غرب و سعودی کودتای نظامیان به رهبری ژنرال عبدالفتاح السیسی انجام پذیرفت و حکومت محمد مرسی قدرت خود را از دست داد. سوریه نیز دستخوش این تحولات عربی قرار گرفت و با تعلیق عضویت و تحریم مواجه شد. از سویی دیگر عربستان سعودی و قطر از طریق اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس، برای سرکوب خیزش مردمی به مداخله نظامی در بحرین ۲۰۱۱ م. و در یمن ۲۰۱۵ م. دست زدند و شدیدترین سرکوب‌ها را به همراهی دولت‌های غربی مدیریت کردند. سعودی در همین زمان کوشید اتحادیه عرب را با سیاست‌های ضد ایرانی خود همسو کند. سرکوب داخلی و کشتن مخالفان نیز در سیاست داخلی این پادشاهی قرار گرفت و در این جهت با اعدام شیخ نمر، روحانی شیعه ۲۰۱۶ م. و کشتن خاشقجی ۲۰۱۸ م. روزنامه‌نگار مخالف توسط تیم‌های سرکوب، به از میان برداشتن مخالفان پرداخت (Felsch, 2020, p. 4).

از منظر حقوقی، رویکردهای دوگانه اتحادیه با تعهدات اساسنامه‌ای دولت‌های عضو در تعارض است. به تصریح مادهٔ دوم اساسنامه^۱ هدف این سازمان تحکیم روابط میان دولت‌های عضو، صیانت از استقلال و حاکمیت آنها و تبادل نظر در امور مربوط به سرزمین‌های عربی است. مطابق همین ماده با رعایت نظام داخلی، دولت‌های عضو در امور اقتصادی مالی، مسافرت، حمل و نقل و ارتباطات، امور اجتماعی فرهنگی و بهداشتی با یکدیگر همکاری خواهند کرد.

از آنجاکه این وضعیت در سال‌های آغازین، یعنی سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ م. در سوریه و در دیگر سرزمین‌های عربی امری داخلی بود، تعهدات اساسنامه‌ای دولت‌های عضو ایجاب می‌کرد تا تلاش‌ها به حل و فصل در سطوح داخلی کشورها معطوف شود. از این رهگذر، ضمن احترام به استقلال و حاکمیت دولت‌های عضو، اصل و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها نیز به آنان واگذار می‌شد. تعلیق عضویت با مادهٔ هشت اساسنامه تعارض دارد؛ زیرا برابر این ماده هر یک از دولت‌های عضو، نظام حاکم بر دیگر کشورهای اتحادیه را محترم می‌شمارد و متعهد می‌گردد در راستای تغییر حکومت در کشور دیگر اقدامی نکند. گرچه در قطعنامه مصوب از عنوان «تعلیق مشارکت نمایندگان حکومت سوریه» استفاده شده است، در همین فرض نمایندگان این دولت نمی‌توانستند در سازمان مشارکت کنند و حوزه‌های همکاری مورد نظر مادهٔ دوم نیز در امور مختلف اقتصادی، اجتماعی، تجاری و... متوقف می‌شد یا تحت تأثیر قرار می‌گرفت.

همچنین در اساسنامه این سازمان، نه تعلیق عضویت؛ بلکه خروج یا اخراج پیش‌بینی

۱. مادهٔ دوم اساسنامه مقرر می‌دارد: هدف از تشکیل جامعه، تحکیم ارتباطات بین دولت‌های عضو، هماهنگی برنامهٔ سیاستی با هدف همکاری‌های چندجانبه و صیانت از استقلال و سیادت آنها و به‌طور کلی تبادل نظر دربارهٔ امور سرزمین‌های عربی و مصالح آنهاست؛ همچنین از اهداف اتحادیه، همکاری مشترک و تنگاتنگ میان دولت‌های عضو بر اساس نظام حاکم در هر کشور در امور ذیل است: (۱) امور اقتصادی و مالی شامل مبادله‌های تجاری، گمرکی، پولی، کشاورزی و صنعتی؛ (۲) امور مواصلاتی و حمل و نقل شامل راه آهن، راه‌های زمینی، هوایی، کشتیرانی و پست؛ (۳) امور فرهنگی؛ (۴) امور مربوط به تابعیت، گذرنامه‌ها، روادید، اجرای احکام و استرداد مجرمین؛ (۵) امور اجتماعی؛ (۶) امور بهداشتی.

شده است. ماده ۱۸ مقرر می‌دارد: «چنانچه یکی از اعضا تصمیم به خروج از اتحادیه داشته باشد، باید موضوع را یک‌سال پیش از اجرای این تصمیم به شورا ابلاغ کند. شورا باید هر کشوری را که به وظایفش در قبال اساسنامه عمل نمی‌کند، منفصل از اتحادیه به شمار آورد و این امر از طریق تصمیمی است که با اجماع کشورها بجز کشور مورد اشاره صورت می‌گیرد».

چنانچه این ماده مربوط به اخراج بر تعلیق قابل تطبیق باشد، در آن صورت به دلیل مخالفت بعضی از کشورها با تعلیق^۱ (Raslan, 2016, p. 17) این تصمیم و جاهت حقوقی ندارد؛ زیرا تعلیق با اجماع همه اعضای سازمان همراه نبوده است؛ بنابراین آیین تصمیم‌گیری در اتحادیه نیز چالشی در برابر مشروعیت تعلیق است.

افزون‌براین، جامعه عرب از طریق تعلیق مشارکت حکومت سوریه و در پی آن به رسمیت‌شناختن معارضان، دعوت رسمی از آنان برای حضور در مقرر اتحادیه و موافقت با رساندن سلاح‌های مدرن به مخالفان (Ould Mohamedou, 2016, p. 11)، در واقع اهدافی فراتر از تعلیق عضویت، یعنی تغییر نظام را در نظر داشت که با ماده هشتم اساسنامه در تعارض است. این ماده مقرر می‌دارد: هر یک از کشورهای عضو اتحادیه، نظام حاکم بر دیگر کشورهای اتحادیه را محترم می‌شمارد و متعهد می‌شود اقدامی در جهت تغییر حکومت در آن کشور به عمل نیاورد.

اتحادیه افزون بر تحریم‌های سیاسی و اقتصادی قطعنامه ۷۴۴۲، از تلاش برای تحریم‌های بین‌المللی علیه حکومت سوریه از سوی ملل متحد فروگذار نکرد؛ ولی به دلیل مخالفت‌های روسیه و چین راه به جایی نبرد. بندهای چهارده‌گانه قطعنامه فوق و گستردگی آن در حوزه‌های مالی، بانکی، حمل و نقل و تردد و توقف پروژه‌ها، جدا از آنکه با ماده دوم اساسنامه ناسازگار بود، زندگی افراد عادی را نیز با دشواری‌های بسیاری روبه‌رو کرد. هرچند در روی کاغذ مؤسسه‌های حقوق بشر دوستانه و بین‌المللی از تحریم استننا شدند، در عمل تحریم‌ها هوشمند نبودند و آثار زیان‌بار آن متوجه

۱. ر.ک: آدمی و بخشی تلیایی، ۱۳۹۲، ص ۹.

غیرنظامیان و افراد عادی شد؛ از همین رو به تدریج برخی از دولت‌های عربی به ناکارآمدی تصمیم‌های اتحادیه در خصوص تعلیق و تحریم سوریه پی بردند و سیاست برقراری رابطه و بازگشت سوریه را در پیش گرفتند.

بنا به گزارش *المجله*، مجله هفتگی تمام برخط وابسته به سعودی چاپ لندن، به‌رغم تعلیق سوریه در اتحادیه، برخی از دولت‌های عربی از سال ۲۰۱۸ م. به برقراری مجدد روابط با سوریه مبادرت کردند تا از این رهگذر از نفوذ بیشتر ایران و ترکیه در این کشور بکاهند. ابتکار بازگرداندن سوریه، به شاه اردن منتسب است که پیش‌تر ابتکار خود را با رؤسای جمهور آمریکا و روسیه در ۲۰۲۱ م. مطرح کرد. بیانیه اردن تصریح می‌کند که با گذشت ۱۲ سال از بحران سوریه، هیچ راه حلی پیش رو قرار ندارد و راه حل نظامی و تغییر رژیم نیز پاسخ نمی‌دهد. ادامه وضعیت به زیان مردم سوریه و به نفع داعش خواهد بود؛ همچنین به نفوذ بیشتر اقتصادی و نظامی ایران خواهد انجامید (Hamidi, 2023, p. 6)؛ بدین سان از ۲۰۱۸ م. آهنگ بازگشت سوریه به اتحادیه پس از هفت سال جنگ و ویرانی و بی‌خانمانی نواخته شد، ولی پس از پنج سال نتیجه داد.

۴. بازگشت سوریه و مهم‌ترین چالش‌های پیش روی جامعه عرب

وضعیت سوریه آزمون مهمی پیش روی جامعه دولت‌های عرب به‌عنوان اولین و قدیمی‌ترین سازمان منطقه‌ای نهاد. ناکامی این سازمان را از سویی می‌توان تأییدی بر ناکارآمدی منطقه‌گرایی در تحکیم و ایجاد صلح و نیز حل و فصل منازعه‌ها در منطقه خاورمیانه عربی و اسلامی دانست.

تعلیق عضویت و بازگشت سوریه به اتحادیه طی قطعنامه ۸۹۱۴ در هفتم می ۲۰۲۳ م. در نشست فوق‌العاده شورای جامعه عرب به ریاست مصر و در سطح وزیران در شش بند به تصویب رسید. این بیانیه ضمن استقبال از بازگشت سوریه از این کشور خواستند راه‌حل‌های سیاسی را گام به گام برای عبور از بحران سوریه در راستای قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت ملل متحد در پیش‌گیرند و مقرر داشت که از این پس نمایندگان

حکومت سوریه می‌توانند در نشست‌های اتحادیه شرکت کنند.^۱

بازگشت سوریه پس از ۱۲ سال ضمن آنکه از ناکارآمدی تصمیم‌ها و کنش‌های اتحادیه حکایت دارد، از سوی دیگر بر وجود چالش‌های اساسی در این سازمان گزارش می‌دهد. اتخاذ معیارهای دوگانه ناشی از تعارض منافع دولت‌های با نفوذ، بحران تصمیم‌گیری در اتحادیه، وضعیت مهاجران و عادی‌سازی روابط با اسرائیل برخی از آنهاست.

چنان‌که اشاره شد در خصوص رویکردهای دوگانه اتحادیه در درگیری‌های منطقه‌ای عربی، در بحرین به نفع پادشاهی این کشور اجازه دخالت نظامی داد؛ درحالی‌که در منازعات سوریه در کنار مخالفان ایستاد، اجازه تسلیح معارضان را صادر کرد و ائتلاف ملی معارضان را به‌عنوان نماینده قانونی مردم سوریه به رسمیت شناخت. همچنین با پشتیبانی از دخالت‌های نظامی عربستان سعودی در بحرین و یمن، بجای آنکه درگیری‌ها در این دو سرزمین عربی را منازعات و مطالبات داخلی در نظر بگیرد، آنها را جنگ‌های نیابتی ایران دانست است و از نظام‌های حاکم بر آنها حمایت کرد (Vasiliev, 2018, pp. 447-448; Mencutek, 2014, p. 84; Raslan, 2016, p. 7).

چالش تصمیم‌گیری در این سازمان، تحلیل تصمیم‌ها و کنش‌های آن را دشوار کرده است؛ زیرا از یک سو تصمیم‌ها در سطح سران قابل اعتناست و تصمیم‌ها در سطح وزیران از سوی سران اتحادیه قابل تغییر است. از سوی دیگر اتحادیه مرکب از سران اقتدارگراست و تصمیم‌های آنان نیز فاقد شفافیت است. مقامات داخلی دولت‌های عضو نیز به نحو محرمانه عمل می‌کنند. در چنین مواردی پژوهشگر یا باید به گزارش‌های خبرگزاری‌ها بسنده کند و یا از طریق تماس با مسئولان و افراد آگاه اطلاعات غیررسمی به دست آورد. هر دو روش آسیب‌های و نااطمینانی‌ها خاص خود را دارد (Felsch, 2020, pp. 5-6).

به‌طور مشخص عربستان سعودی از سال ۲۰۱۵م. در پی تحولات برآمده از جنبش‌های عربی در مصر و سوریه، به اصلاحات داخلی دست زد و به نفوذ و تأثیر خود

1. <http://www.leagueofarabstates.net/ar/councils/lascouncil/Pages/LasCouncilMinistrialDetails.aspx?RID=213>

در تصمیم‌گیری جامعه عرب نیز افزود و بدین سان با کنارزدن دو رقیب قدیمی خود یکه‌تاز میدان تصمیم‌گیری‌ها در اتحادیه شد.

نتیجه یک پژوهش ناظر به رویکرد سعودی درباره اتحادیه از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۸ م. پیش و پس از بهار عربی نشان می‌دهد که این سازمان کاملاً تحت تأثیر سیاست خارجی این کشور قرار گرفته است؛ بر همین اساس اطلاعات درون این سازمان به سه دسته‌ی جانبدارانه، مثبت؛ مخالفت‌گرایانه، منفی و بی‌طرفانه تقسیم شده است. هرگونه اطلاعات ناظر به ایران، سوریه، حزب‌الله، حماس، حوثی‌ها، اسرائیل و قطر تابع این تقسیم‌بندی در اتحادیه بر اساس منافع سعودی‌هاست. مطابق این پژوهش با اینکه تصمیم‌های سران از سال ۲۰۰۴ م. از ۱۰۲ مورد به ۲۹۳ مورد تصمیم در سال ۲۰۱۰ م. رسید، ولی در بهار عربی این سازمان نتوانست همه اعضای خود را گرد آورد و هیچ تصمیمی اتخاذ نشد. تعداد تصمیم‌ها در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ م. نیز اندک بود؛ ولی از سال ۲۰۱۵ م. با انتقال قدرت در سعودی و قدرت‌یابی السیسی در مصر، دیگر وضعیت تصمیم‌گیری‌ها در اتحادیه تغییر کرد و بیشتر تصمیم‌ها بر اساس مطالبات ضدایرانی سعودها بود. در سال ۲۰۱۶ م. سعودی روابط دیپلماتیک خود با ایران را قطع کرد و از اتحادیه خواست تا حزب‌الله و حوثی‌ها را تروریست اعلام کنند. این حجم از تصمیم‌های ضد ایرانی تا قبل از ۲۰۱۵ م. بی‌سابقه بوده است. پس از این سال، سالانه ادعاهای مربوط به جزایر سه‌گانه به امری عادی تبدیل شده است. از سوی دیگر، در سه سال پس از خیزش عربی از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ م. به دلیل روابط دوستانه میان حکومت اخوان‌المسلمین در مصر به رهبری محمد مرسی، هیچ اعلامیه ضد ایرانی از سوی اتحادیه صادر نشده است. از سال ۲۰۱۵ م. مواضع ضد ایرانی اتحادیه به‌عنوان تابعی از سیاست‌های عربستان از ۸ مورد در سال ۲۰۱۵ م. به ۲۴ موضع ضد ایرانی در سال ۲۰۱۹ م. رسیده است. این نشان می‌دهد اتحادیه عرب به یک سازمان و نهاد ضد ایرانی تبدیل شده است. این مواضع برای سعودی مهم و شاید اثر حیاتی داشته است؛ زیرا ایران از توان نظامی و انسانی برتری برخوردار است (Felsch, 2020, pp. 6-8).

دغدغه مهم دیگر جامعه عرب حضور میلیون‌ها آواره یا پناهجوی سوری در پنج کشور همسایه (ترکیه، لبنان، اردن، عراق و مصر) و نیز در سطح اروپاست. عادی‌سازی روابط با سوریه امکان بازگشت بیشتر پناهجویان را تسهیل می‌کند. پناهجویان از سوی همسایگان سوریه و نیز کشورهای پناهنده برای بازگشت تشویق می‌شوند. مذاکره‌هایی میان ترکیه، روسیه و سوریه در جهت بهبود روابط و تسریع بازگشت پناهندگان انجام گرفته است. از نظر ترکیه آشتی سوریه با اتحادیه عرب، نشانه‌ای از به رسمیت شناخته شدن در سطح بین‌المللی و پایان جنگ داخلی در این کشور است. در نتیجه روند صلح و بازگشت پناهندگان تسریع خواهد شد. این رویکرد در میان کشورهای اتحادیه اروپا متفاوت است. از سال ۲۰۲۱ م. دانمارک معتقد است که وضعیت به اندازه کافی در برخی مناطق سوریه بهبود یافته و بازگشت پناهجویان به وطن اصلی فراهم است. عفو بین‌الملل از دو کشور دانمارک و مجارستان به عنوان دو کشور عضو اتحادیه اروپا نام برده است که مجوز اقامت پناهندگان سوری را لغو کردند (Loft, 2023, pp.19-20 & 30). این گزارش‌ها نشان آن است که هنوز پیش روی بازگشت پناهندگان و دستیابی به صلح پایدار موانع جدی وجود دارد.

نخستین و مهم‌ترین چالش پیش‌روی جامعه عرب از آغاز تأسیس آن تاکنون، اختلاف فلسطین - اسرائیل است. درگیری کنونی غزه تابعی از همین چالش بیش از ۷۵ ساله حل‌ناشده است.

با تصمیم برخی دولت‌های عربی برای عادی‌سازی روابط خود با رژیم اسرائیل مواضع اتحادیه را نمی‌توان به درستی ارزیابی و تحلیل کرد؛ به ویژه در شرایطی که تصمیم‌گیری‌ها در این سازمان به نفع سیاست خارجی یک دولت اتخاذ می‌شود؛ از همین رو برخی معتقدند مواضع اتحادیه عرب علیه اسرائیل به دلیل تصمیم سعودی برای عادی‌سازی روابط با این دولت مشخص نیست؛ زیرا دولت سعودی در این موضوع پنهانی و در تاریکی اقدام می‌کند؛ از این رو دیدار بن سلمان از تل‌آویو در ۲۰۱۷ م. محرمانه باقی مانده است (Felsch, 2020, p. 10).

در جنگ ۳۴ روزه حزب‌الله و اسرائیل به سال ۲۰۰۶م. اتحادیه عرب نشست فوق‌العاده سران را برگزار کرد. در این نشست، سوریه از اقدامات حزب‌الله حمایت کرد، اما عربستان و مصر به سرزنش و انتقاد از حزب‌الله پرداختند. در نشست بعدی در مصر، اتحادیه به حمایت از لبنان پرداخت و در همکاری با شورای امنیت ملل متحد، قطعنامه ۱۷۰۱ این شورا مبنی بر توقف عملیات نظامی بین حزب‌الله و اسرائیل و همکاری با نیروهای ملل متحد در مرزهای لبنان و اسرائیل (یونيفل) صادر شد (Raslan, 2016, p. 19). درگیری کنونی بین حماس و اسرائیل متعاقب حوادث هفت اکتبر ۲۰۲۳م. وضعیت را برای اتحادیه دشوارتر کرده است و همچنان بر مواضع تکراری گذشته مانده است. آخرین قطعنامه اتحادیه عرب در خصوص وضعیت کنونی غزه به قطعنامه ۸۹۸۷ مصوب نشست فوق‌العاده شورای جامعه در سطح وزیران مربوط است که در تاریخ ۱۱ اکتبر ۲۰۲۳م. با عنوان «راه‌های اقدامات دیپلماتیک برای توقف تجاوز اسرائیل و دستیابی به صلح و امنیت» تصویب شده است. در این قطعنامه از جمله بر توقف فوری جنگ، رعایت حقوق بشر دوستانه و عمل به وظایف قدرت اشغالگر تصریح شده است^۱ که قطعنامه با ویژگی متفاوتی به نظر نمی‌رسد؛ همچنین نشست مشترک اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی به تاریخ ۱۱ نوامبر ۲۰۲۳م. با عنوان «نشست فوق‌العاده سران عربی و اسلامی برای بررسی تجاوز اسرائیل به ملت فلسطین»، در ریاض و با حضور ایران برگزار گردید و همان مواضع گذشته درباره راه‌حل دو دولت و پایان دادن به اشغال در چارچوب ملل متحد تکرار شد.^۲

خوش‌بینانه آن است که موارد فوق نشان می‌دهد جامعه عرب در خصوص منازعه فلسطین - اسرائیل به‌طور کلی از همان راه‌حل‌های ملل متحد پشتیبانی می‌کند و دست‌کم در شرایط کنونی فاقد هرگونه ابتکار با هویت عربی و اسلامی است.

1. <http://www.leagueofarabstates.net/ar/councils/lascouncil/Pages/LasCouncilMinistrialDetails.aspx?RID=220>

۲. برای مشاهده بیانیه ۳۱ ماده‌ای مشترک سازمان همکاری اسلامی و اتحادیه عرب، ر.ک: <http://www.lasportal.org/ar/InFocus/Pages/InfocusDetails.aspx?RID=116>

نتیجه‌گیری

اتحادیه (جامعه عرب) نخستین و قدیمی‌ترین سازمان منطقه‌ای همزاد ملل متحد است و از همان آغاز تأسیس درگیر مسائل مهم خاورمیانه مانند وضعیت فلسطین شده است تا به‌مثابه سازمان فصل هشتمی منشور ملل متحد، در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی عمل کند. با شروع جنبش‌های موسوم به بهار عربی در سال ۲۰۱۱م. و بروز بحران در سرزمین‌های عربی از جمله سوریه، اتحادیه عرب در آزمون منطقه‌گرایی و تحکیم صلح برای این سرزمین قرار گرفت. این سازمان با اتخاذ رفتار دوگانه درباره سوریه، در مقایسه با دیگر مناطق عربی، طیف گسترده‌ای از اقدامات از تعلیق مشارکت (عضویت) تا تحریم سیاسی و اقتصادی و نیز رویکرد تغییر نظام را در برابر سوریه در پیش گرفت. این تصمیم‌گیری‌ها افزون بر ناسازگاری با تعهدات اساسنامه‌ای دولت‌های عضو، به تقویت و ظهور داعش و نیز دخالت‌های نظامی خارجی انجامید و وضعیت داخلی سوریه را به وضعیت فرامنطقه‌ای و حضور نظامی بیگانگان تبدیل کرد. پیامد حضور نظامی بیگانگان در سرزمین‌های اسلامی و عربی، حمایت بیشتر از رژیم صهیونیستی، بی‌ثبات‌سازی منطقه و نقض بیشتر استقلال و حاکمیت آنها به بهانه مقابله با تروریسم خواهد بود. از سویی جامعه عرب پس از بروز بحران سوریه با چالش‌هایی مانند رویکردهای دوگانه، بحران پناهندگان، تصمیم‌گیری دولت‌های بانفوذ و عادی‌سازی رابطه با اسرائیل روبه‌رو است.

هرچند بازگشت سوریه به اتحادیه، برقراری مجدد روابط میان ایران و عربستان و آغاز مذاکرات، شروع فعالیت ایران در سازمان همکاری اسلامی، برگزاری نشست‌های مشترک سران عربی و اسلامی، نشانه‌هایی از توجه به منافع و مصالح مشترک منطقه عربی و اسلامی است، ولی بحران پرتلاطم سوریه در بیش از یک دهه گذشته و وضعیت اندوهناک غزه در حال حاضر، گویای آن است که برای بازگرداندن صلح پایدار و حل و فصل اختلاف‌های منطقه اسلامی و عربی، در این «منطقه بدون منطقه‌گرایی» به طرحی نو و عزمی راسخ در بازگشت به خود نیاز است.

فهرست منابع

۱. آدمی، ع.؛ بخشی تلیابی، ر. (۱۳۹۲). رویکرد اتحادیه عرب به بحران سوریه. دانش سیاسی و بین‌الملل، ۲(۲)، صص ۱-۱۸.
۲. تدینی، ع.؛ کازرونی، س.م. (۱۳۹۴). مسئولیت بین‌المللی دولت‌های ارسال‌کننده تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه. راهبرد، ۲۴(۷۷)، صص ۱۱۳-۱۴۸.
۳. توکلی طبسی، ع.؛ منصوری، ف.؛ رضایی، م.ت.؛ حبیب‌زاده، ت. (۱۳۹۲). مسئولیت بین‌المللی دولت‌های ثالث ناشی از نقض حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی با تحلیلی اجمالی از بحران سوریه. مجله حقوقی بین‌المللی، ۳۰(۴۹)، صص ۶۱-۹۶.
۴. کیانی، م. (۱۳۹۱). بحران سوریه: ویژگی‌ها و تفاوت‌ها. رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۲۶۹.
۵. لعل‌علی‌زاده، م.؛ احمدی، ا. (۱۳۹۷). بررسی نقش سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در بحران سوریه. در: کنفرانس ملی حقوق و مطالعات فرهنگی و اجتماعی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرقان.
۶. نامداری، م.م.؛ یزدان‌پناه، ک. (۱۳۹۲). بحران سوریه با تأکید بر رویکرد نظام غرب و راهبرد ترکیه در این کشور. مطالعات بیداری اسلامی، ۲(۳)، صص ۱۰۱-۱۱۸.
7. Dalacoura, K. (2012). The 2011 uprisings in the Arab Middle East: Political change and geopolitical implications. *International Affairs*, 88(1), pp. 63–79.
8. Felsch, M. (2020). The Ascent of Saudi Arabia to a Regional Hegemon: The Role of Institutional Power in the League of Arab States. *International Studies*, 57(2), pp. 132-143. <https://doi.org/10.1177/0020881720911834>
9. Hamidi, I. (2023). Classified document reveals details of bringing Syria back to Arab League. *AlMajalla*, 6 May 2023, <https://en.majalla.com/node/290821/politics/classified-documentreveals-details-bringing-syria-back-arab-league>

10. Hedström, S. (2020). The Arab League has No Bark and No Bite, *Flux: International Relations Review*, 10(1), pp. 44-52,
<https://doi.org/10.26443/firr.v10i1.28>
11. Hinnebusch, R. & Zartman, W. (2016). *UN mediation in the Syrian crisis: From Kofi Annan to Lakhdar Brahimi*. International Peace Institute.
12. Jenkins, B.M. (2013). *The Role of Terrorism and Terror in Syria's Civil War*. RAND Office of External Affairs.
13. Loft, P. (2023). *Syria's civil war in 2023: Assad back in the Arab League*. Commons Library Research Briefing.
14. Mencutec, Z. S. (2014). The “Rebirth” of a Dead Organization?: Questioning the Role of the Arab League in the “Arab Uprisings” Process. *Perceptions*, 19(2), pp. 83-112.
15. Mohammad-Mahmoud Ould Mohamedou. (2016). Arab agency and the UN project: the League of Arab States between universality and regionalism. *Third World Quarterly*, 37(7), pp.1219-1233.
DOI: 10.1080/01436597.2016.1154437
16. Rabasa, A. & Benard, Ch. (2014). *Eurojihad, Patterns of Islamist Radicalization and Terrorism in Europe*. Cambridge: Cambridge University Press.
17. Raslan, I. (2016). Regional Organization and Internal Conflict: The Arab League and the Arab Spring. *Policy Brief*, 4(2), pp. 6-31.
18. Sackelmore, J. (2014). *The World against Isis*. Conceptual Kings.
19. Sottimano, A. (2019). Syria in the ‘Resistance Front’: Persistence Through Reconfiguration? Palgrave Macmillan. In: *Syria: From National Independence to Proxy War*, pp. 161-182.
20. Vasiliev, A. (2018). *Russia's Middle East Policy from Lenin to Putin*. London: Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315121826>.

References

1. Adami, A., & Bakhshi Talyabi, R. (1392 AP). The Arab League's Approach to the Syrian Crisis. *Political and International Studies*, 2(2), pp. 1-18. [In Persian]
2. Dalacoura, K. (2012). The 2011 uprisings in the Arab Middle East: Political change and geopolitical implications. *International Affairs*, 88(1), pp. 63–79.
3. Felsch, M. (2020). The Ascent of Saudi Arabia to a Regional Hegemon: The Role of Institutional Power in the League of Arab States. *International Studies*, 57(2), pp. 132-143. <https://doi.org/10.1177/0020881720911834>
4. Hamidi, I. (2023). Classified document reveals details of bringing Syria back to Arab League. *AlMajalla*. <https://en.majalla.com/node/290821/politics/classified-documentreveals-details-bringing-syria-back-arab-league>
5. Hedström, S. (2020). The Arab League has No Bark and No Bite, Flux. *International Relations Review*, 10(1), pp. 44-52. <https://doi.org/10.26443/firr.v10i1.28>
6. Hinnebusch, R., & Zartman, W. (2016). *UN mediation in the Syrian crisis: From Kofi Annan to Lakhdar Brahimi*. International Peace Institute.
7. Jenkins, B. M. (2013). *The Role of Terrorism and Terror in Syria's Civil War*. RAND Office of External Affairs.
8. Kiani, M. (1391 AP). The Syrian Crisis: Characteristics and Differences. *Events and Analyses*, 269. [In Persian]
9. Laal Ali-Zadeh, M., & Ahmadi, A. (1397 AP). The Role of International and Regional Organizations in the Syrian Crisis. *National Conference on Law and Cultural and Social Studies*. Islamic Azad University, Zarqan Branch. [In Persian]
10. Loft, P. (2023). *Syria's civil war in 2023: Assad back in the Arab League*. Commons Library Research Briefing.
11. Mencutek, Z. S. (2014). The “Rebirth” of a Dead Organization?: Questioning the Role of the Arab League in the “Arab Uprisings” Process. *Perceptions*, 19(2), pp. 83-112.

12. Namdari, M. M., & Yazdanpanah, K. (1392 AP). The Syrian Crisis with Emphasis on the Western System Approach and Turkey's Strategy in the Country. *Islamic Awakening Studies*, 2(3), pp. 101-118. [In Persian]
13. Ould Mohamedou, M. M. (2016). Arab agency and the UN project: the League of Arab States between universality and regionalism. *Third World Quarterly*, 37(7), pp. 1219-1233. DOI: 10.1080/01436597.2016.1154437
14. Rabasa, A., & Benard, Ch. (2014). *Eurojihad, Patterns of Islamist Radicalization and Terrorism in Europe*. Cambridge: Cambridge University Press.
15. Raslan, I. (2016). Regional Organization and Internal Conflict: The Arab League and the Arab Spring. *Policy Brief*, 4(2), pp. 6-31.
16. Sackelmore, J. (2014). *The World against Isis*. Conceptual Kings.
17. Sottimano, A. (2019). Syria in the 'Resistance Front': Persistence Through Reconfiguration? Palgrave Macmillan. *National Independence to Proxy War*, pp. 161-182.
18. Tadini, A., & Kazeroni, S. M. (1394 AP). International Responsibility of States Supplying Weapons to Terrorist Groups in Syria. *strategy*, 24(77), pp. 113-148. [In Persian]
19. Tavakkoli Tabasi, A., Mansouri, F., Rezaei, M. T., & Habibzadeh, T. (1392 AP). International Responsibility of Third States Arising from the Violation of Humanitarian Law in Internal Armed Conflicts: An Overview Analysis of the Syrian Crisis. *International Law*, 30(49), pp. 61-96. [In Persian]
20. Vasiliev, A. (2018). *Russia's Middle East Policy from Lenin to Putin*. London: Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315121826>.